





ویژه نامه

۳۴ سال رهبری امام خامنه‌ای عجل الله تعالی فرجه الشریف



### با رحلت امام خمینی «ولایت الهی» باز ادامه یافت

انقلاب اسلامی از این پس برای مواجهه با جهان سکولار به میدان آمد.

این انقلاب را از این رو «جهان بین دو جهان» نام نهادیم که انقلاب اسلامی از سوئی حرکتی جدید در جهان معاصر است و از سوی دیگر بر ابعاد قدسی انسان تأکید دارد و متذکر «ولایت الهی» پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حتی با غیبت امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اینجاست که جایگاه رهبر معظم انقلاب پس از رحلت حضرت امام می شویم که چگونه متوجه تاریخی شدند که با انقلاب اسلامی طلوع کرد و در آینده ای حاضر است که نه برگشت به گذشته است و نه ادامه آینده ای که جهان معاصر برای خود رقم زده است.

با این نحوه حضور رهبر معظم انقلاب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در صحنه و تأکید بر ادامه خط حضرت امام، بسیاری از توطئه های دشمنان نقش بر آب شدند و از همین روی، استکبار با این امید که تا حدی از فشار روحی اش کاسته شود، همواره سعی می کند با انواع ترفندهای تبلیغاتی، کینه عمیق خود نسبت به رهبر معظم انقلاب را رسانه ای کند.

۴. یکی از برکات تاریخ جدیدی که با ولایت فقیه در جهان جدید شکل گرفت، رقم خوردن آینده ای برای نظام اسلامی است که انسان ها می توانند با حضور در آن آینده، از پوچی و بی معناشدگی زندگی رهایی یابند.

با توجه به این امر این پرسش محتوم مطرح می شود که اگر رابطه ای بین مسئله داشتن و مسئولیت داشتن هست که هست مسئله ما در این تاریخ چیست و مسئولیت ما کدام است؟ آیا می توان با ظهور انقلاب اسلامی به افق تازه ای ورای غرب زدگی کنونی که قرار است سبک زندگی نوینی را برای ما رقم بزند، امیدوار بود؟

چگونه است که در تاریخی که با انقلاب اسلامی رقم خورده است، نه زندگی گذشته قادر به دادن پاسخ به پرسش های ماست و نه زیست جهان مدرن چنین توانایی ای دارد؟ آیا در راستای اتحاد

۱. حضرت روح الله عجل الله تعالی فرجه الشریف با بصیرت تاریخی خود متوجه شدند زمانه، زمانه ای است که به بهانه حاکمیت قانون در شهرها و در جامعه جدید و به نام اصالت انسان در قالب اومانیسم، شهرها و انسان ها در سیطره ولایت قوانین سکولار قرار می گیرند و عملاً بسیاری از ابعاد متعالی آنان که پیامبران متذکرشان بودند، نادیده گرفته می شوند.

به این معنا که به جای «ولایت الهی»، امیال انسان ها، آن هم در فضای سیطره سرمایه داری بر جامعه و بر انسان ها، ولایت پیدا می کنند و این روح «تاریخ جدید» یا «فرهنگ مدرنیته» است که هر روز بیش از روز پیش در جوامع بشری حضور پیدا کرده است.

۲. با توجه به این امر و خطری که انسان را تهدید می کرد، حضرت امام در قالب «ولایت فقیه» متذکر «ولایت الهی» شدند [۱] و این آموزه اساسی را که مبنای فکری همه فقها بود، به بهترین شکل ممکن در مواجهه با فرهنگ اومانیسم مطرح کردند.

فرهنگی که مدعی است تنها چیزهای مطلوب آنهائی هستند که مورد پسند و تصدیق امیال آدمی و چیزی بد است که میل انسان ها آن را بد بداند و از آن مهم تر، چیزی «هست» که انسان ها بگویند «هست» و چیزی «نیست» که انسان ها بگویند «نیست»! [۲]

۳. ولایت فقیه متذکر «ولایت الهی» است، به این معنا که پروردگار و رب و خالق انسان ها، ابعاد وجودی و جهت کمالی آنان را می شناسد و می داند و از این جهت پروردگار عالم است که خیر و شر انسان ها را به درستی تشخیص می دهد تا آن ان تحت سیطره هوس هایشان گرفتار انواع هلاکت ها نشوند.

بر این مبنا حضرت امام نظامی را پایه گذاری کردند که به یک معنا در مواجهه با جهان مدرن و فرهنگ سکولاریته، شروع تاریخ جدیدی بود و آنچه اهمیت این کار را به خوبی روشن می کند، ادامه این تاریخ پس از رحلت جانگداز آن مرد الهی است.

جریانی تاریخی تحت عنوان «جهان بین دو جهان» در جهان معاصر با «ولایت الهی» و در قالب «ولایت فقیه» ادامه یافت و





ویژه نامه

۳۴ سال رهبری امام خامنه‌ای عنه‌السلام



دانشجویان در زمینه امید نسبت به آینده فرمودند: «البته بعضی از نسل های گذشته شما در این مورد کم آوردند و دچار خطا شدند؛ یعنی آنجایی که نبایستی مایوس و ناامید بشوند، شدند و این ناامیدی آنها را از میدان خارج کرد. بعضی هایشان بدجوری هم خارج شدند! بعضی ها فقط خارج شدند، اما بعضی ها علاوه بر خارج شدن از میدان مبارزه انقلابی، با دیگران همصدا هم شدند. پس این توصیه اول من این است که مواظب باشید به افق و به قله پشت نکنید و همیشه به سمت قله و افق روشن حرکت کنید.» [۵]

۶. چگونه می توانیم بفهمیم که در این برهه از تاریخ فرقه ای از فرق اسلامی نیستیم، بلکه به حضور جهانی خود با هویت دینی می اندیشیم و بر این باوریم که اگر از دریچه چشم عقل غربی به خود نگاه کنیم، خود را در این جهان به درستی درک نکرده ایم.

فهم جهان و انسان امروز، هنر حضرت امام بود که متوجه شدند انسان امروز می خواهد خودش قانون گذار باشد و حکومت از آن او باشد. در این راستا باید پشتکار رهبر معظم انقلاب را در مطالعه رمان های جهان غرب درک کرد. برای حضوری آخرالزمانی و سیاستی که باید در این دوران دنبال کنیم، حضور در جهان در عین قدسی بودن، امری حیاتی است.

رهبر معظم انقلاب در ۱۴ خرداد سال ۹۹ در مورد حضرت امام جمله قابل تأملی را فرمودند:

«یک نمونه دیگر از تحول در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبد در عین نگاه نوگرایانه به مسائل بود. امام یک فقیه و روحانی نوگرا بودند و در عین پایبندی شدید به تعبد، به مسائل نگاه نوگرایانه داشتند.»

منظور از نگاه نوگرایانه همان خرد و سیاستی است که در عین توجه به معادلات جهانی، متوجه تعبد و آینده قدسی بشر آخرالزمانی نیز هست.

رهبر معظم انقلاب در راستای ادامه «ولایت الهی» در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، راه حضرت امام را ادامه دادند و این یعنی

ظاهر و باطن و تحولی در جان ها، تحولی در حال وقوع نیست تا انسان شأن حقیقی خود را باز یابد و سیاستش عین دیانت او شود؟

حضرت امام در این زمینه فرمودند: «والله اسلام تمامش سیاست است.» و نیز: «اگر من هم برگردم، این ملت دیگر بر نمی گردد.» همه چیز حاکی از آن است که آینده ای فراروی ما گشوده شده است که در آن انسان جدیدی در حال تولد است. باید برای عبور از بی اخلاقی هائی که ما را احاطه کرده اند به انسانی فکر کرد که با انقلاب اسلامی ظهور پیدا خواهد کرد و حاج قاسم سلیمانی نماد چنین انسانی است.

رهبر معظم انقلاب با عنایت به آینده ای که حرکت توحیدی ما در مقابلمان گشوده است، فرمودند: «اگر امروز کسی بخواهد مردم را ناامید و احساس بن بست را به مردم القا کند و بخواهد روحیه مردم را بشکند و اراده مسئولین را تضعیف کند، واقعاً هم جفای به مردم و هم جفای به کشور و هم جفای به انقلاب است.» [۳]

۵. همان گونه نه یزید نتوانست گریبان خود را از دست مولایمان امام حسین علیه السلام برهاند، جهان استکباری نیز با تمام هزینه هایی که می کند، نخواهد توانست گریبان خود را از چنگال انقلاب اسلامی که جهت اصلی آن توحیدی و الهی است، برهاند؛ زیرا انقلاب اسلامی با تکیه بر تذکر حضرت امام در باره انسان این دوران، نخواهد گذاشت مشعل شهادت بر زمین بماند [۴] وگرنه شهید حججی ها و شهدای مدافع حرم پدیدار نمی شدند تا شور ایمان انسان حاضر در تاریخ انقلاب اسلامی را استمرار ببخشند.

آیا مردم ما با تشییع پیکر مبارک شهید حججی، بار دیگر شور ایمان را پس از غفلتی که سیاسیون به وجود آوردند، متجلی نکردند؟ عبور از پوچی جهان معاصر و حضور در فضائی سرشار از شور ایمان، بودنی است که انسان سیاسی در افق انقلاب اسلامی همواره در جستجوی آن است، بودنی که «پریروز» حضور قدسی ما را به «پس فردای» عبور از «دیروز» و «امروز» و «فردای» ظلمات مدرنیته پیوند می زند.

بیهوده نیست که رهبر معظم انقلاب در سخنان اخیرشان با





ویژه نامه

۳۴ سال رهبری امام خامنه‌ای عجل الله تعالی فرجه الشریف



خواهد رفت. این راه را اولیای خدا باز کردند و امام باز کردند. امام به معنای واقعی کلمه یک عبد صالح و یک ولی بودند. امام مؤمن در راه خدا بودن و همه حقایق حوزه دین برای دل این مرد واضح و روشن بودند. ایشان به این راه و حرکت دل سپرده بود و پیش می رفت. این راه همین جوری پیش خواهد رفت.

إن شاء الله جوان ها نقش خودشان را بیابند، نوجوان ها ان شاء الله خودشان را آماده کنند، پدرها و مادرها، جوان ها و نوجوان ها را ان شاء الله برای آینده آماده کنند و همه، خودشان را در صراط مستقیم ثابت قدم بدارند.» [۷]

و این گونه بود که پس از رحلت حضرت امام، «ولایت الهی» در قالب «ولایت فقیه» با حضور حضرت آیت الله خامنه ای ادامه یافت تا امداد الهی و حضور در آینده ای مشحون از یک زندگی توحیدی به منصف ظهور برسد.

پی نوشت ها:

[۱] قرآن می فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/۲۵۷) و بدین لحاظ ولایت الهی دائمی است، بر عکس نبوت که با رحلت پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ختم شد. ولایت الهی در جمال اولیای معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام پس از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچنان ادامه یافت و در غیبت امام معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز تحت عنوان «ولایت فقیه» برای اصلاح امور انسان ها در میدان است.

[۲] این نگاه مشهور است به نگاه نومیالیسم که معتقد است موجودات ذات ندارند. تعریف هایی هم که از موجودات دارند به گوهر موجودات باز نمی گردد، بلکه برداشت هایی هستند که خود انسان ها آنها در مورد چیزها و امور مطرح کرده اند.

[۳] ۱۴۰۰/۱/۲۳

[۴] حضرت امام خمینی پس از قبول قطع نامه در پیام خود فرمودند: «خداوند! کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش.»

[۵] ۱۴۰۱/۲/۶

[۶] همان

[۷] ۱۳۹۸/۱/۱۹

منبع: ماهنامه پاسدار اسلام، تیرماه ۱۴۰۱ - شماره ۴۷۷ و ۴۷۸

درک درست زمانه. امری که به لطف الهی توسط مقام معظم رهبری به درستی درک شد و آن را به تمامی پاس داشتند.

۷. بودن آخرالزمانی چه نوع بودنی است؟ اخلاق مورد نیاز بشر، مجموعه ای از دستورالعمل های معین و مدون نیست. تمدن نوین اسلامی با صدور دستورالعمل و بخشنامه وقوع پیدا نمیکنند و انسان سیاسی در افق انقلاب اسلامی نیز تابعی از سیاست های مدون نیست، بلکه باید ندایی از عمق جان اهل نظر و علم، آنان را به فردا فرا بخواند که اگر بتوانند از چشم اندازی که فرارویشان گشوده شده است، چشم بزنند، لاجرم به سوی آن حرکت می کنند و خود را در بودنی به وسعت بودن آخرالزمانی انسان خواهند دید.

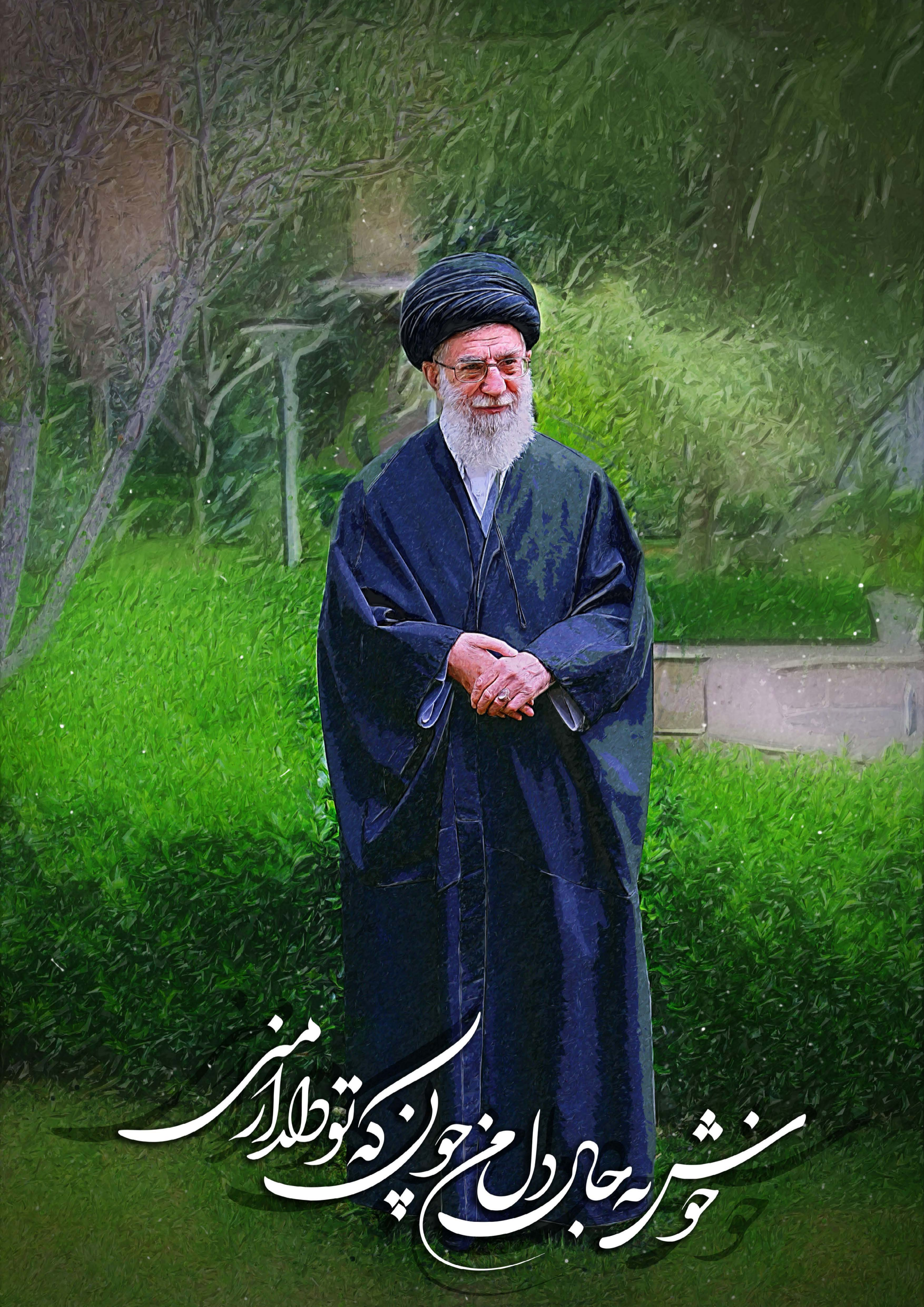
حضرت امام متذکر این «بودن» بودند و لذا نظر به ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ داشتند؛ انقلاب اسلامی را مقدمه ظهور آن حضرت می دانستند و می فرمودند: «ان شاء الله حضرت تشریف بیاورند تا این انقلاب را تقدیمشان کنیم.» امری که رهبر معظم انقلاب نیز بر آن تأکید دارند و اخیراً در صحبت با دانشجویان فرمودند:

«توصیه من به شما دانشجویان پرهیز از انفعال و ناامیدی است. مواظب باشید؛ یعنی مواظب خودتان و دلتان باشید. مواظب باشید دچار انفعال و ناامیدی نشوید. شما باید کانون تزریق امید به بخش های دیگر جامعه باشید. البته نابسامانی هایی در بخش های مختلف وجود دارند، اما آیا این نابسامانی ها غیرقابل رفع هستند؟ ابداً. مدیران خوبی وجود دارند و ان شاء الله می توانند رفع کنند؛ کما اینکه تا حالا خیلی از کارها انجام شده اند.» [۶]

۸. حرف اصلی: با توجه به آنچه عرض شد، آیا نباید انقلاب اسلامی و ایران در راستای حضور امروز ما در تاریخ، مسئله اصلی ما و اصیل ترین وجه وجودی ما باشد و آن را در راستای شخصیت حضرت امام و رهبر معظم انقلاب دنبال کنیم؟ آیا سیاستمداری و تفکر اجتماعی در بهترین نحوه بودنش، چنین بودنی نیست؟

رهبر معظم انقلاب در راستای ادامه «ولایت الهی» در عصر غیبت می فرمایند: «تعیین کننده مسیر ملت ایران همین حرکت اصلی است که دارد به سمت جلو حرکت می کند و روزبه روز هم پیشتر





شهره جباری مخوندی توطلا